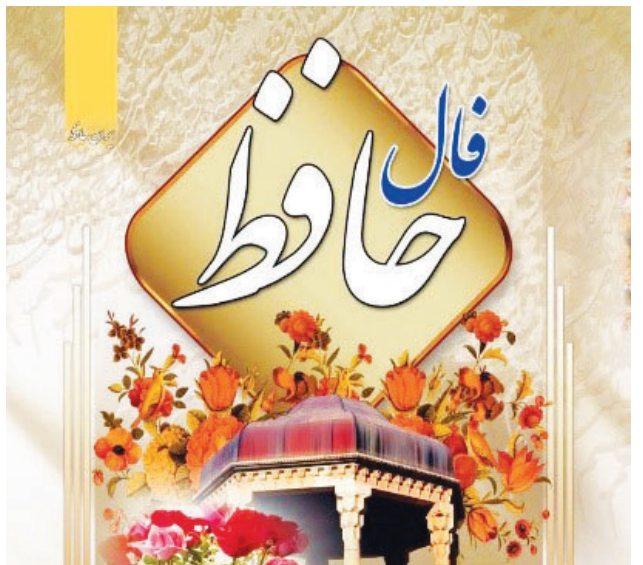




امروز شما



فروردین

مسائل کوچک را دست کم نگیر چون ممکن است همین مسائل کوچک، گره بزرگی در زندگیت ایجاد کند.

اردیبهشت

اختلافی با دوست یا همسرت پیش آمده است که زندگی عاطفیات را تلخ می‌کند. ریشه‌های این اختلاف را باید پیدا کرد و آن را برطرف نمود. به دیگران کمک کن تا در شرایط مشابه آنها نیز تو را یاری کنند.

خرداد

به شکل و ظاهر آدم‌ها نمی‌توان قضاوت کرد. باید در همه حال پشت این ظواهر و درون آدم‌ها را در نظر داشت زیرا درون است که تعیین کننده خواهد بود.

تیر

وقتی کسی تو را دوست دارد و خالصانه این دوستی را در عمل ثابت کرده است، نباید نسبت به او بی‌تفاوت بود یا دست به کارهایی زد که او را نسبت به خود دلسرد و مایوس ساخت.

مرداد

ن نباید رقیب خود را دست کم گرفت. مشکلات ساده و عادی را نباید دست کم گرفت چون در آینده همین مشکلات کوچک به بحران و اختلافات بزرگ ختم می‌شود.

شهریور

کسی هست که تو را دقیق می‌شناسد و همیشه در سستی‌ها در کنار تو بوده است اما تو بی‌اعتنا از کنارش می‌گذری. باید قدر او را بدانی و دوباره آنها را به جوی بازگردانی تا امید تازه‌ای در زندگی پیدا کنی.

شهروند عکاس

عکس‌های حرفه‌ای خود را با کیفیت

مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع

ارسال toloudaily@gmail.com

کنید تا در روزنامه درج گردد

بازگشت خلاقان به خانه پدری جلال آل احمد



خواهرزاده جلال آل احمد با گله از وضعیت خانه پدری این نویسنده فقید می‌گوید: این خانه برای دومین بار مورد حمله خلاقان قرار گرفت تا به جای تبدیل شدن به یک مکان فرهنگی، به لانه فساد تبدیل شود!

به گزارش ایسنا، خانه‌ای قاجاری در محله پانچار تهران که در اواخر دوران قاجار بنا شده و آیت‌الله حاج سید احمد طالقانی، پدر جلال و شمس آل احمد در آن زندگی می‌کرده سرنوشت پرفراز و فرودی را همراه با تاریخ معاصر ایران پشت سر گذاشته است. زمانی که پدر جلال و شمس در قید حیات بوده، روزه‌های هفتگی در این خانه برقرار بوده و محل آمد و شد روحانیون بسیاری بوده است. در سال ۱۳۸۳ به ثبت ملی می‌رسد و در سال ۱۳۹۱ به نام خانه باستان‌شناسان کشور می‌شود. پس از مراسم افتتاحیه درش را می‌بندند و می‌روند، بدون این که یک باستان‌شناس بدان‌جا قدم بگذارد. با شکست این طرح، این خانه به مرور به مأمی برای معاندان و به یک زباله‌دانی تبدیل می‌شود. با اعتراض بازمندانگان این خانواده دوباره توجه‌ها برای حفظ و نگهداری خانه جلب می‌شود. در نهایت معاندان را از خانه بیرون کردند، خانه را از زباله‌ها خالی کردند و پس از مزایده، سرمایه‌گذار فرهنگی جدیدی آمد که از قضا کارآفرین گردشگری هم هست. خانواده جلال آل احمد امیدوار بودند شاید سرمایه‌گذار جدید بتواند آرامش را به این خانه تزریق کند.

اما محمدحسین دانایی، یکی از بازمندانگان این خانواده در این باره می‌گوید: آنچه در این ۱۲ سال بر سر این بنای تاریخی آمده، حکایت مفصل و اندوهباری است که آخرینش هجوم عده‌ای از قاجاچی‌ها و معاندان مواد مخدر و تبدیل آن‌جا به پاتوق و محل تجمع و تفکیک

محمدجعفر یاحقی از ابیات سست و بی‌سروتهی بر وزن و در مضمون شاهنامه می‌گوید، آن‌ها را تهمت می‌خواند و بیان می‌کند: برتسیم از روزی که این افتراها همه‌گیر شود و بزرگان ما در خشم ناشی از آن بسوزند که آن روز دیگر نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک‌نشان. به گزارش ایلنا، در روزهای اخیر بحث جعلیاتی که به «شاهنامه» فردوسی منسوب هستند، در گوشه‌ای از فضای مجازی داغ شده است؛ بیت‌هایی که بعضاً حتی در کتاب درس فارسی دانش‌آموزان آمده‌اند و موجب واکنش نشان دادن برخی شاهنامه‌پژوهان شده‌اند.

صفحه‌ای به نام محمدرضا شعبی کدکنی نیز که در روزهای اخیر به معرفی این بیت‌های جعلی پرداخته، فهرستی را هم از شاهنامه‌های معتبر منتشر کرده است. حالا محمدجعفر یاحقی، استاد دانشگاه و شاهنامه‌پژوه در یادداشتی که با عنوان «ازین گونه تا چند گویی دروغ؟» منتشر کرده، نوشته است: از گذشته‌ها این‌جا و آن‌جا ابیاتی سست و نوظهور با ظاهری وطنی به نام فردوسی میدیم و با آن که به غیرت برمی‌خورد به روی خود نمی‌آوردیم تا این که شامگاه روز گذشته کسی - که نمی‌دانم کیست - از طریق همین واتس‌آپ با کمال مهر و ادب بیامی (پستی) تصویری برای من فرستاد که در آن جوانی با ظاهر ابیاتی تا نهایت اخلاص در کنار کببه زردشت در نقش رستم درست رو به آرامگاه داریوش دوم ایستاده و به خواهش مردی میانه‌سال با صدایی بسیار سوزناک و توأم با آه و افسوس دلشکار این ابیات را به آواز می‌خواند: بنایهای آباد گردد خراب / ز باران و از تابش آفتاب // پی افکنند از نظم کاخی بلند / که از باد و باران نیاید بگزند // کجا باند بزرگان و ساسانیان / ز بهرامیان تا به سامانیان // کجا رستم و زال و سیمرغ / سام / فریدون فرهنگ و جمشید جام // کجا رفته کبخیرو نامدار // که ایران نیاید چو او شهریار // کجا رفت رستم خداوند رخسار / سر سرفرازان گو تاج بخش // کجا رفت طهمورث دیو بند / که دیوان گرفتگی به خم کمند // چو گودرز کشواد و پولاد سنگ / بدر دل شیر و چرم پلنگ // همان دیو کجبین او روز جنگ / همی چرم رویه پیوشد پلنگ // فرقتند و ما را سپردند به جای // نماند کسی هم ز بند سرای // تو تا می‌توانی به نیکی گرای / که نیکی بیایی به هر دو سرای. از همان روزگار فردوسی کسانی بوده‌اند چه در لباس کاتب و نسخه‌نویس و چه در قالب دوستان فردوسی یا کینه‌داران و معترضان به شرایط زمانه که ابیاتی یافته و تافته بر وزن شاهنامه سروده و به فردوسی نسبت داده‌اند یا این که به مرور زمان به نام او مقبولیت یافته و بسیاری از آن‌ها هم بدین‌سانه به متن شاهنامه وارد شده و کار پیرایشگران را برای تشخیص که تعداد ابیات آن از یکصدوسی هم گذشته است. جدا کردن و دور ریختن بسیاری از این ابیات سست و ناتدرست برای شاهنامه‌شناسان کار دشواری نیست اما در این میان برخی ابیات خوب و خوش‌اندام و

تهمت‌هایی به فردوسی!

فردوسی‌وار هم هست که به مرور زمان در ذهن‌ها نشسته و خوانندگان و دوستان شاهنامه تا آن‌جا با آن انس گرفته‌اند که واقعاً نمی‌توانند به آسانی از ذهن‌ها زوده شود و تشخیص آن هم بر پیرایشگران کمی تا قسمتی دشوار و در پارهای موارد ناممکن شده است؛ تا آن‌جا که آدم پژوهشگر و دانا و سنجیده‌ای چون زنده‌نام مجتبی مینوی می‌خواهد تا بتواند با اطمینان قلبی و قلبی به قلابی بودن آن‌ها فتوا بدهد. تابستان هزار و سیصد و پنجاه و چهار بود که در حین برگزاری سخنرانی‌های جشن طوس در تالار فردوسی دانشکده ادبیات مشهد با حضور مسئولان کشوری و شاهنامه‌شناسانی از ایران و کشورهای مختلف جهان با چشمان خود دیدیم و به گوش خود شنیدیم که مجتبی مینوی کتابچه شاهنامه در موزه‌ها از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر آن روز را که بر پشت آن به صورت سیاه‌مشق بیت «چو ایران نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد» ده‌ها بار تکرار شده بود، سر دست بالا گرفت و با خمسی مقدس پشت تریبون تالار اعلام کرد: پس کنید و این ابیات حرامزاده را از شاهنامه‌ها برباید! آن روز کمتر کسی می‌دانست یا حتی می‌توانست تصور کند که این بیت نه از فردوسی که سر هم کرده یکی از همین شوونیست‌های روزگار نزدیک به او، یعنی حبیب‌الله نوینت سراینده شاهنامه (پهلوی‌نامه) نوینت است، اما امروز به برکت کوشش‌هایی که برای تصحیح انتقادی شاهنامه صورت گرفته و دست‌نویس‌های نسبتاً خوبی که در دسترس قرار گرفته شاهنامه از بسیاری از این ابیات قلابی و الحاقی که در طول زمان بر دست دوستان جاهل فردوسی یا ناهلان مغرض پدید آمده، زوده شده است. آن‌چه در گذشته اتفاق افتاده و بر دل شاهنامه‌خوانان و نقل‌گویان و عامه مردم هم نشسته امری تاریخی و خودجوش و تا حدی طبیعی بوده است، اما در دهه‌ها و به‌ویژه در این چند سال اخیر موج غرض‌ناک و مرض‌آلود دیگری پیدا شده که به هر دلیل، چه نارضایی از شرایط موجود و چه از روی کینه‌کشی و خودخواهی در حسرت گذشته و شکایت از وضع موجود یا مخالفت با این یا آن قوم و نژاد، ابیات سست و بی‌سروتهی بر وزن و در مضمون شاهنامه سر هم می‌کنند و شعرناشناس و ناراضی می‌دهند و لابد کیف هم می‌کنند؛ غافل که روان فردوسی از این تهمت‌ها بیزار و به عذاب است و اگر روزی به فرض مجال از گور سر برآورد همه این ایرادپرستان و فردوسی‌دوستان بی‌تمیز را از دایره ایرانی‌گرایی و شاهنامه‌دوستی بیرون خواهد گذاشت و رو به آن‌ها خواهد گفت: «برین گونه تا چند گویی دروغ؟ / دروغت بر ما نگردد فروغ»

کار این دروغ‌پراکنی‌ها به جایی رسیده که اخیراً دیدیم صدای دکتر شعبی کدکنی هم که از مجازی‌کاری‌های فضای مجازی بیزار است درآمده و همه این قبیل اشعار را «جعلیات» خوانده و با نفرت و خشم تمام تقبیح کرده است!



خواندن

زبان فارسی بیوند دهنده اندیشه‌ها در قفقاز



ما شاهد حضور ادبیات فارسی در عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با بررسی کتیبه‌های فارسی در منطقه قفقاز، گفت: زبان فارسی در این منطقه علاوه بر کارکردهای دیوانی، نقش پیونددهنده اندیشه‌ها و زبان دین و باورهای معنوی مردم را داشته است. به گزارش ایرنا، مرتضی رضوانفر در وینار بناهای کتیبه‌دار قفقاز با اشاره به شهر دربند در روسیه امروزی که زمانی، شمالی‌ترین شهر ساسانیان بود، گفت: در تاریخ آمده است که خسرو انوشیروان (پادشاه سلسله ساسانیان/ ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی) به دستور پدرش (قباد ساسانی)، هزاران نیرو و خانواده‌های آنها را به این منطقه برد تا دیواری ۴۰ کیلومتری با کارکرد دفاعی بسازند و ضمن احداث یک حصار دور شهر، در آنجا بمانند و زندگی کنند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری وزارت میراث فرهنگی با اشاره به دژ معروف شهر دربند با نام نارین قلعه، اظهار داشت: این قلعه سال ۲۰۰۳ میلادی در فهرست یونسکو ثبت جهانی شد. در میان معیارهای ثبت این اثر در یونسکو، به ساسانی بودن معماری قلعه نیز اشاره شده و یادآوری شده است که این بنای ساسانی، به مدت ۱۵۰۰ سال کارکرد دفاعی داشته است؛ زیرا اقوامی که قرون بعد به آنجا رفتند نیز آن را مرمت و از آن استفاده کردند.

این پژوهشگر یادآور شد که دست‌کم دو کتیبه فارسی و ۳۲ کتیبه پهلوی در نارین قلعه و دیوارهای آن وجود دارد که اغلب این کتیبه‌ها را معماران نوشته‌اند.

شعر فارسی به مثابه زبان دین رضوانفر در بخش دیگری از سخنان خود، به نقش زبان فارسی در باورهای دینی مسلمانان در کشورهای مختلف پرداخت و درباره منطقه قفقاز گفت: در حالی که خطاطی‌های محراب‌ها در مساجد ایران معمولاً به زبان عربی است، در بسیاری از مسجدهای قفقاز،

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری وزارت میراث فرهنگی با اشاره به حضور ادبیات فارسی در میراث فرهنگی و گردشگری وزارت میراث فرهنگی و گردشگری وزارت میراث فرهنگی با اشاره به جمهوری خودمختار اوستیا گفت: مردم اوستیا در منطقه خود ایرستون و به زبان خود که شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی است، «ایرونی» (Ironi) می‌گویند.

عکس روز:

آیین گلاب شویی

مضجع شریف

حضرت احمد بن

موسی شاهچراغ (ع)



عکس روز:

آیین گلاب شویی

مضجع شریف

حضرت احمد بن

موسی شاهچراغ (ع)